توجه کافی به مسائل زنان و جوانان و اعطای جایگاه مناسب به آنان در جوامع اسلامی

توجه کافی به مسائل زنان و جوانان و اعطای جایگاه مناسب به آنان در جوامع اسلامی

بیژن شهرامی

بسم الله الرحمن الرحيم

«اين اسلام است كه همه را به آزادي واقعي و به برادري و مساوات دعوت نموده و وسائل تحقق آن را هم آماده كرده، و موازين حق و عدالت و انصاف را برپا ساخته است». برناردشاو.(1)

قرن پر نشيب و فراز بيستم در حالي آخرين روزهاي خويش را سپري مي‌نمايد كه جهانيان را بهت و حيرت ناشي از وقوع پاره‌اي حوادث شگرف و اعجاب انگيز در برگرفته است، حوادثي كه در صدر آن مي‌توان حادثة ميمون و مبارك بيداري تدريجي امت اسلامي از خواب تحميلي و سنگين قرون و اعصار را به وضوح يافت، حادثه‌اي كه خواب نوشين را از ديدگان شياطين جهان ربوده و زوال حاكميت منحوس آنان بر كرة ارض و استقرار نظام جهاني عدل اسلامي را بشارت داده است و در بزرگي و اهميت آن همين بس كه سدة

جاري را قرن بيداري اسلامي خوانده‌اند.

از آنجا كه در اين عصر، جامعيت و تماميت نگري اسلام و ناتواني اديان آسماني تحريف شده در بر آوردن و تامين نيازهاي گستردة آدمي بيش از پيش در امتداد نگاه عالميان قرار گرفته است گرايش و اقبال ايشان به احكام نوراني شريعت محمدي (صلي ا عليه وآله وسلم) هر روز پررنگتر شده و ابعاد تازه‌اي يافته است، خواه به صورت تقيّد بيشتر و رجوع ديگر باره و همه جانبة ملل اسلامي به پيشينة ديني سترگ هزار و چهارصد و اندي سالة خويش و خواه به صورت تشرف روز افزون غير مسلمانان به آيين متعالي، مترقي و اصيل اسلام به مصداق آية شريفة: Pوَرَايْتَ النّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللّهِ افْوَاجاً0.(2)

امت اسلامی در آستانة ورود به هزارة جديد و سدة آغازين آن بر آنست با تقويت مباني اعتقادي و ارتقاي سطح التزام خويش به احكام نوراني اسلام چهرة تابناك شريعت محمدي (صلي ا عليه وآله وسلم) را نيز بيش از پيش به جهانيان بنمايانند و عرصه را براي بهره‌مندي انسان سرگشتة دنياي امروز از نعمت بي بديل اسلام فراهم آورد. ناگفته پيداست كه مهمترين ابزار تحقق اين مهم تلاش مضاعف در راستاي اعتلاي دار الاسلام در تمامي ابعاد آنست، آن سان كه دين مبين پسنديده و در بردارندة سعادت دارين آدمي مي‌باشد.

يك جامعة پيشرفتة اسلامي به واسطة بهره‌مندي از امكاناتي كه مي‌تواند فرد را در تامين مطلوب دنيا و عقباي خويش ياري دهد از يكسو دينمداران و ساكنان دار الاسلام را از شيدايي در برابر بيگانگان و در افتادن به چاه غرب و شرق زدگي مي‌رهاند و از سوي ديگر با مشاركت مقتدرانه در گفتگوي تمدنها و بيان مستند جامعيت و توانمنديهاي بي بديل اسلام نسخة شفابخش شريعت محمدي (صلي ا عليه وآله وسلم) را براي آلام انساني به جهانيان عرضه مي‌دارد.

از آنجا كه يكي از شروط اساسي تحقق و شكل گيري چنين جامعه‌اي توجه كافي به مسائل اعضاي آن بويژه زنان و جوانان و اعطاي جايگاه مناسب به آنان مي‌باشد در ادامة اين نوشتار خواهيم كوشيد بدان بپردازيم اما پيش از آن ذكر چند مطلب ضروري به نظر مي‌رسد:

پيشينة تضييع و ناديده گرفتن حقوق آدميان (به ويژه زنان و جوانان).

پايمال شدن حقوق هابيل‌ها با حاكميت قابيل‌ها از سپيده دم تاريخ آغاز گرديد و در طي ادوار و ازمان با تطوري ظاهري ادامه يافت. در اين بين اين زنان و جوانان بوده‌اند كه همواره بيشترين آسيب و ستم را متحمل شده‌اند، شگفتا كه در برخي از مقاطع تاريخ، اظهار نظر نبخردانة گروهي از فرزانگان موجب تشديد آلام آنان گرديده است و دريغا كه در جرگة اينان افرادي چون ارسطو، شوپنهاور، نيچه و... ديده شده‌اند: «ارسطوزن را ناقص و خلقت او رانشانة عجز طبيعت به هنگام آفرينش مي‌داند. زن و بندگان در ديدگاه او بنابر طبيعت محكوم به اسارت هستند و سزاوار شركت در كارهاي عمومي نيستند».(3)

«شوپنهاور در مقاله ـ درباره زنان ـ زن را ناقص الخلقه مي‌داند. و نيز نيچه مردان را به داشتن تازيانه هنگام ملاقات با زنان نصيحت مي‌كند».(4)

امروزه نيز با وجود آنكه هر يك از دولتهاي دنيا با توجه به خط مشي فكري و شعارهاي آرماني خويش داعيه دار توجه به حقوق بشر و مسائل زنان وجوانان بوده و اهتمام خود در اعطاي جايگاه مناسب به آنان را چشم افسا مي‌پندارد اما شاهد تضييع گستردة بديهي ترين حقوق اولية انسانها به ويژه طيف مزبور در گسترة حكمراني اغلب آنان هستيم.

اين تضييع حق اگر چه در عصر حاضر ابعاد آشكار و پنهان بسياري يافته اما ريشه در گذشته‌هاي دور دارد با اين تفاوت كه صراحت گذشته رفته رفته جاي خود را به نهان كاري و اغوايي كه رهاورد شوم جاهليت مدرن است داده و حتي جذبة فراواني پيدانموده است! تا آنجا كه گاه افرادگرفتار در بند اغفال، با طيب خاطر تن بدين باطل حقنما خود را به هلاكت در افكنده‌اند.

امروزه نظام سرمايه‌داري چونان رقيب مفلوك شرقي خويش با چهره‌اي بزك كرده و دلفريب اما وفادار به سبك و سياق ديرينه و عادت مالوف پيش از آنكه شان انساني و كرامت عظماي خليفه الهي آدميان از جمله زنان و جوانان را در امتداد نگاه خود قرار دهد و يا حتي به آن معتقد باشد به ارزش اقتصادي، بازده كاري، چگونگي بهره‌گيري از آنان در زمينه‌هاي مختلف از جمله تبليغات مي‌انديشد و بر اين باور پاي مي‌فشرد شاهد ادعا مطلبي از «ويل دورانت» است:

«آزادي زن از عوارض انقلاب صنعتي است. زنان، كارگران ارزانتري بودند و كارفرمايان آنان را بر مردان سركش و سنگين قيمت ترجيح مي‌دادند...

زن اين بردگي جديد را با شادي پذيرفت. شادي كسي كه سرانجام كاري پيدا كرده و خود را به نحوي سرگرم ساخته است».(5)

آري اسارت جامعة انساني در چنبرة ماده و ماده گرايي، سردرگمي، سرخوردگي و بي هويتي نسل جوان و تيره روزي طيف نسوان را به همراه داشته است همانگونه كه مردان را نيز به خاك سياه بي‌خبري از خود نشانده و به حضيض ذلت كشانيده است، گواه اين ادعا اخبار تكان دهنده‌اي است كه پيوسته از تضييع

حقوق زنان و بدفرجامي جوانان و به بن بست رسيدن مردان در قلب سرزمين مدعيان دروغين تساوي انسانها و معتقدين به اصطلاح پر و پاقرص فمنيسم و صدها ايسم ديگر حكايت مي‌كند.

متاسفانه لكة سياه بي توجهي به حقوق و مسائل واقعي انسانها علاوه بر دامان دول مزبور جامة برخي ممالك واقع شده در گسترة دار الاسلام را نيز آلوده نموده است و اين در حاليست كه تعاليم حقة اسلامي معتقد به تساوي انسانها و پايبند به تامين حقوق آنان مي‌باشد و قرآن كريم برتري فردي بر فرددیگر بر اساس جنسيت، رنگ، نژاد، توانگري و امثال ذلك را مردود شمرده و يگانه ملاك را در اين زمينه «تقوي» دانسته است كه]... انّ اكْرَمَكُمْ عِندَ اللّهِ اتْقَاكُمْ...[.(6)

در ممالك اخير هيچ‌گاه انديشة اعطاي جايگاه مناسب به جوانان و زنان به مخيلة زمامداران راه نيافته و اگر يافته راه به جايي نبرده است، گويي شريعتي كه آنان خود راوفادار بدان مي‌پندارند فقط به لحاظ «اسمي» شباهتي با اسلام دارد و ناظر به ابعاد عاليه‌اي كه بر آن مترتب است نمي‌باشد. در اين زمينة سخن پروفسور «هاكنج» شنيدني است كه «مشكل كشورهاي اسلامي اين نيست كه در آيين اسلام ابزار پيشرفت نيست بلكه اين است كه در اين كشورها تمايل و ارادة لازم براي استفاده از اين ابزار پيشرفت وجود ندارد».(7)

وی سپس ادامه مي‌دهد كه «من با كمال واقع بيني درك مي كنم كه شريعت اسلامي كليه مبادي و اصول لازم براي پيشرفت و تكامل را در بر دارد».(8)

به هر حال از آنجا كه محروميت جوانان و زنان در وجه اخير سنتي و صريح بوده و به واسطة ضعف بنية اقتصادي و توليدي كشورهاي جهان سوم صورت غير صريح نيافته، در باغ سبز غرب كارگر افتاده و تهاجم فرهنگي منصة ظهور پيدا نموده است كه غربزدگي و احياناً شرق زدگي و نيز از خود بيگانه شدن رهاورد

آن تلقي مي‌شود.

زنان و جوانان در منظر اسلام

شريعت شريف محمدي (صلي ا‌ عليه وآله وسلم) با توجه به ماهيت نوراني و الهي خويش كه ذيلاً جلوه‌هايي از آن بيان مي‌شود جايگاهي بسيار والا و در خور براي زنان تدارك ديده است:

ـ تعيين تقوي به عنوان يگانه ملاك برتري فردي بر فرد ديگر و نفي ملاكهايي از قبيل جنسيت و...

ـ اعتقاد به تساوي انسانها در عين معتقد بودن به وجود برخي تفاوتها ما بين زن و مرد.

ـ تجليل از زنان بزرگ تاريخ يكتاپرستي از جمله حضرات هاجر، آسيه، خديجه كبري، فاطمه زهرا (س) و...

ـ نكوهش كساني كه نسبت به زنان و دختران ستم رواداشته‌اند (از جمله آنان كه دختران خود را زنده به گور نمودند).

ـ تبيين وظايفي كه والدين نسبت به فرزندان خوداز جمله دختران دارند.

ـ تبيين وظايفي كه همسران نسبت به هم دارند(از جمله شوهر نسبت به زن).

ـ تبيين وظايفي كه فرزندان نسبت به والدين خود خصوصاً مادر دارند.

ـ تجليل از نكاح و تشكيل خانواده.

ـ ابلاغ حجاب به عنوان حصن حصين و نگهبان امين گوهر وجود زن.

ـ بهره مندي يكسان زن و مرداز حقوق فردي و اجتماعي.

ـ وجوب تحصيل علم براي زنان.

ـ و...

علاوه‌بر آنچه كه ذكر شد برخورد حسنة پيامبر گرامي اسلام با آحاد مردم از جمله زنان (وحتي زنان غير مسلمان) نيز گواه صادق ديگري از رفعت جايگاه نسوان و مؤمنات در منظر شريعت محمدي (صلي ا‌ عليه وآله وسلم) است.

توصيه‌هاي الهي و اهتمام ايشان در زمينة لزوم رعايت حقوق زنان جامعة اسلامي و تكريم و احترام آنان كه در قالب گراميداشت دختر گراميش بي بي فاطمه زهرا (س) عينيت و منصة بروز افزونتري يافته چشم افسا و مثال زدني است. علاوه بر اين سيرة نظري و عملي مولاي متقيان علي (عليه السلام) و فرزندان معصومش نيز در مواجهه بازنان به عنوان نيمي از افراد جامعةت اسلامي تحسين برانگيز است تا آنجا كه مي بينيم حضرت آنگاه كه خلخال از پاي زني ذمّي ربوده مي‌شود سخت‌بر آشفته شده مي فرمايند (نقل به مضمون): (اگر كسي از شنيدن اين حادثه بميرد نيز جا دارد)، و يا آن امام همام را مي‌بينيم كه در تنور خانة بيوه‌زني بادست مبارك خود طبخ نان فرموده فرزندان او را مورد تفقدقرار مي‌دهد و يا شبانه به صورت ناشناس به اطعام نيازمندان مي‌شتابد.

اين رفتارهاي حسنه و انساني كه نشات گرفته از حقيقت ژرف و ماهيت الهي اسلام است در طول ادوار و ازمان شگفتي و تحسين جهانيان را برانگيخته و لسان انديشمندان غير مسلمان را نيز به اعتراف صادقانه گشوده است از جمله بانو «ستان راني تنس» انديشمند هلندي كه مي‌نويسد:

«قرآن دربارة زنان داوري عادلانه‌اي دارد و بر خلاف برخي از مرامها و اديان كه جنيس زن را تا به سر حد بردگي تنزل داده و ارزشي براي او قائل نيستند، وي را از مزايا و حقوق انساني برخوردار ساخته و مقام شامخي براي زن منظور داشته است».(9)

ناگفته پيداست كه شريعت كامل الهي كه شان از كف رفتة زنان را به آنان مسترد فرموده است براي جوانان نيز احترام و شان خاصي را قائل است.

در سايه سار اين آيين آسماني است كه جوانان گاه به واسطة دست يافتن به مراتب بالاي علم و تقوي مقام و مرتبتي فراتر از پيران نزد خدايتعالي مي‌يابند در حاليكه از احترام سالمندان غافل نمي‌شوند و آنان را به نيكوترين شكل گرامي مي‌دارند.

توجه پيامبر عظيم الشان اسلام (صلي ا عليه وآله وسلم) به جوانان و اعطاي سمت و مسئوليتهاي مهمي از قبيل فرماندهي سپاه ولشگر و امثالهم به آنان گاه با اعتراض نسنجيدة ديگران روبرو مي‌شد كه نمونه‌هايي از آن در متون روايي مضبوط است: «روزي جمعي را به سفري فرستاد، از آنها پرسيد چقدر قرآن مي‌دانيد؟ يكي كه از همه جوانتر بود گفت: من فلان و فلان و سورة بقره را مي‌دانم. فرمود: برويد اميرشما اين است. گفتند او از همه كم سال تر است! فرمود: او سورة بقره را مي‌داند.».(10)

«مصعب بن عمير قرشي شهيد جنگ احد (نيز) به روزگار جواني سرپرستي مسلمانان مدينه را پيش از هجرت به عهده گرفت و زمينه را براي هجرت هموار كرد اين ماموريت بزرگ در اثر دانستن قرآن بود».(11)

آري گرامي داشتن جوانان و بهادادن به ايشان از جلوه‌هاي آشكار و تحسين برانگيز مكتب انسان ساز اسلام است كه توجه به آن مي‌تواند در اين عصر نيز بركات بي‌پايان خويش را نصيب دار الاسلام وبلكه جهان نمايد.

علي كل حال با توجه به آنچه كه ذكر آن رفت مي‌توان نتيجه گرفت كه امروزه عنايت كافي به مسائل زنان و اعطاي جايگاه مناسب به آنان بيش از هر زمان ديگر ضرورت يافته و شايسته است دار الاسلام با بهره‌گيري از احكام نوراني شريعت محمدي كه تكريم و احترام آدمي خواه مرد خواه زن در گرو اجراي آنهاست بازار مكارة غربيان را به كلي از رونق بيندازد و راه رشد و سعادت انسانها را هموارتر سازد، اما به راستي اين مسائل كدامند؟

در پاسخ بدين سئوال ذيلا مواردي را بر مي‌شماريم و مي‌كوشيم به اختصار در باب هر يك مطالبي را بنگاريم:

الف ـ آموزش

]... يَرْفَعِ اللّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَالَّذِينَ اوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ وَاللّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ[.(12)

امروزه آموزش به عنوان يگانه كليد پيشرفت و توسعة پايدار جوامع انساني اهميت چشم افسايي پيدا كرده است آنگونه كه از بديهي ترين موارد حقوق بشر شناخته شده و مورد تاكيد قرار گرفته است.

البته اين در حاليست كه هنوز بسياري از كشورها با معضل سنگين بي سوادي يا كم سوادي دست به گريبان بوده و در صدد يافتن راه حل و چاره‌اي براي آن برآمده‌اند، اگر چه عليرغم صرف هزينه‌هاي كلان به دليل نا مناسب بودن نوع برخوردي كه با اين معضل داشته اند طرفي نبسته و راه به جايي نبرده‌اند.

بي سوادي به عنوان ريشه و منشا بسياري از مشكلات، روند رشد خيلي از ممالك را كُند نموده و از سرعت سير قافلة علم و پيشرفت بشري و توان همراهي و همقدمي كشورهاي جنوب با آن كاسته است. نگاهي به آمار و ارقام منتشره از سوي سازمان يونسكو و آيسسكو نشان مي‌دهد كه اولاً آمار بي سوادي در بين زنان بيش از مردان است و ثانياً تفاوت معناداري از حيث بهره مندي از سواد بين شمال و جنوب ديده مي‌شود آنگونه كه در جهان امروز از هر ده زن چهار نفر بي سوادند حال آنكه در برخي از كشورهاي عربي و آفريقايي از هر ده زن هشت نفر بي سواد هستند.(13)

محدوديت و ضعف حاكم بر نظامهاي آموزشي دول جهان سوم از جمله بخش عمده‌اي از دار الاسلام و نيز برخي آداب غلط مرسوم در برخي از جوامع كه علم آموزي بانوان را منع و جوانان را به لطايف الحيل از كسب دانش و معرفت واقعي و بي‌پرواشدن در نقد ماهيت و عملكرد نظام حاكمه و مشاركت در تعيين سرنوشت خويش باز مي‌دارد باعث شده كه توجه جوانان به بازار مكارة غرب و دانشگاههاي كارآمد آن جلب شود و جذبة ديرپاي دار الاسلام در منظر جويندگان دانش كاهش يابد، بي اعتباري مدارك علمي اغلب مراكز آموزشي دول جنوب در منظر ممالك شمال نيز به تشديد اين امر انجاميده است.

اتفاقات تلخ رايج در افغانستان كه عقايد پوسيده و فرامتحجرانة گروهي كج انديش را به نام اسلام در امتداد نگاه جهانيان قرارداده و آحاد افراد جامعه خواه زنان، خواه مردان، خواه جوانان، خواه سالمندان را از بديهي ترين حقوق فردي و اجتماعي خود محروم نموده و فتوي به منع تحصيل دختران و زنان و بسياري ديگر از كنشهايي كه مغايرتي با احكام نوراني اسلام ندارند، داده نمونه و جلوه‌اي آشكار از تلاشهاي مجدانه دستهاي پيدا و پنهاني است كه حضور قاطعانه و تاثير گذار اسلام در عرصة معادلات جهاني را برنتابيده به زعم خويش كمر به هدم آن بسته‌اند و نيز نمونه اي از مشكلاتي است كه پردختن به آنها از وظايف اصلي امت اسلامي در قرن آتي ميلادي است.

همگرايي و تلاش دولتهاي حاكم در جاي جاي دار الاسلام در فراهم آوردن امكان برخورداري از آموزش براي همگان و توجه به هزينة فرصتي افراد بيش از هر زمان ديگري احساس مي‌شود اگر چه آموزش زنان در اين ميان از اهميت فوق العاده‌اي برخوردار است كه نيكو گفته‌اند: «اگر مردي را تربيت كني يك نفر را تربيت نموده‌اي اما اگر يك زن را تربيت كني ملتي را ساخته‌اي».(14)

ب ـ كار و اشتغال

«كار» را بزرگترين سرمايه خوانده‌اند كه در سايه سار آن علاوه بر رفع نيازهاي معيشتي؛ آرامش، همگرايي، هويت شغلي و اعتلاي شخصيتي فرد محقق مي‌شود.

شغل به عنوان زير مجموعة اصلي كار نقطة اتكاي مسئول خانواده در ادارة امور خانه بوده و تامين كنندة سرمايه‌اي است كه پايداري رابطة متعادل و مفيد خانه و جامعه نيازمند هزينه شدن آنست.

اگر چه تامين اين اعتبار در شرايط ايده آل از جملة وظايف عمدة مسئول خانواده يعني پدر است اما گاه به دلايلي مدير خانه يعني مادر نيز عهده‌دار تامين تمام يا بخشي از آن مي‌باشد:

از جمله اين عوامل ايده آل نبودن شرايط محيطي به واسطة ناهماهنگ بودن رشد در ابعاد مختلف آن و يا مرگ، ناتواني يا گريز مرداز خانواده و يا ناكافي بودن در آمد وي و امثال ذلك مي‌باشد.

امروزه در حاليكه اشتغال بانوان در كشورهاي شمال امري كاملا طبيعي بوده و نظام سرمايه‌داري در راستاي حفظ هويت و اصالت خويش گاه به استثمار پنهان ايشان نيز مي‌پردازد در كشورهاي جنوب اشتغال زنان امري كاملاً طبيعي نبوده و بيشتر برخاسته از فقر اقتصادي و نبود برنامه‌اي مدوّن در امر مديريت كانون خانواده مي‌باشد، به تعبير بهتر در اين قبيل جوامع زمينة لازم جهت اينكه زن فارغ از دغدغة تامين هزينه‌هاي خانواده و به اميد كمك به رشد و اعتلاي كشور به كار و فعاليت بپردازد كمتر وجود دارد.

نبود فرصتهاي شغلي، سازمانهاي بيمه و نهادهاي حمايتي در ممالك مزبور و تنگ نظري سنتي موجود در آنها نسبت به كار زنان كه شرايط نا مساعد محيطهاي كاري آن را تشديد نموده باعث شده است كه زنان به لحاظ تامين هزينه‌هاي خانه و خانواده با مشكلات و ابهامات دامه‌داري مواجه شوند كه آنها را وجه مميزة جامعة خود با جوامع پيشروي موجود در گسترة گيتي دانسته به سمت آنها كششي حداقل دروني پيدا كنند.

از ديگر سو بالا بودن نرخ رشد جمعيت و مشكلات عديدة حاصل از آن و نيز محدود بودن منابع مالي و اعتباري موجب شده كه بسياري از جوانان به ويژه پسران از يافتن كار و پي ريزي شالودة زندگي جديد و مستقل نا اميد شده به دامان غرب بگريزند يا خيال گريختن راداشته باشند.

با توجه به چنين وضعيت حادي است كه انتظار مي‌رود دول اسلامي نيز با اعمال مديريتي كارآمد و جذب سرمايه‌هاي داخلي و خارجي و بهره‌گيري از طرحهايي كه با توجه به شرايط مكاني قابل اجراست و نيز بهادادن به امر تحقيقات و توليد يا كسب فن آوريهاي نوين مسالة بغرنج بيكاري را از ليست بلند مسائلي كه آحاد افراد به ويژه زنان و جوانان با آن رو در رو هستند حذف نمايند.

ج ـ امنيّت.

يكي از نيازهاي اساسي آدمي برخورداري از امنّيت در ابعاد مختلف آنست كه تامين آن از اعظم وظايف نظام حاكم بر هر كشور است.

امروزه حوزه‌هاي امنيتي به لحاظ تعدد و تكثر تنها به جان و مال افراد محدود نمي‌شوند بلكه حيطه‌هايي از قبيل اقتصاد، روان، شغل، سياست و مانند آن را شامل مي‌شوند كه گاه به لحاظ اهميّت گوي سبقت را از حوزه‌هاي آغازين ربوده‌اند.

توجه آگاهانه و همه جانبة نظام سياسي هر كشور به ايجاد، حفظ يا تقويت حوزه‌هاي مزبور منجر به ايجاد فضايي باز، مطمئن و مفيد مي‌شود كه استعدادهاي ژرف و شگرف آدمي در آن مجال ظهور و بروز يافته و مسير توسعه راهموار مي‌سازد.

اگر چه نبود امنيت همه افراد جامعه را متضرر مي‌سازد اما تجربه نشان داده است كه ضريب آسيب پذيري زنان و جوانان در و انفساي فقدان آن به مراتب بالاتر است، اين از آنروست كه ايشان در تعريف امنيت يا به كلي نقشي نداشته‌اند و يا اگر سهمي نيز داشته‌اند آن را به نفع ديگران به كار برده اند.

با اين حال رفته رفته آشكار شده است كه تامين امنيت پايدار و همه جانبه با بهره‌گيري صرف از سامانة پليسي امكان پذير نيست چرا كه آبشخورهاي اصلي مقولة فوق فرهنگ، آموزش صحيح و اعتماد است، مؤلفه‌هايي كه بر خلاف ابزارهاي سنتي متزلزل حفظ امنيت از ثبات و پايداري چشمگيري بهره‌مند هستند

و نتيجة بهتري را ارائه داده‌اند.

از اينرو سهيم ساختن زنان و جوانان در تعريف «امنيت» و بهره‌گيري عميق از آبشخورهاي نوين تاثيرگذار بر آن از جمله اصلي ترين وظايف جامعة اسلامي در قبال آنان است كه عملي شدن آن مي‌تواند تا حدود بسيار زيادي حس امنيت پسندي انسان را ارضا نمايد.

تامين امنيّت با توجه به شرايط زمان و مكان دشواريها و ظرافتهاي خاص خود را دارد به ويژه براي زنان و جوانان كه نوك پيكان زهرآگين شبيخون فرهنگي دشمنان دين و آيين همواره بسوي آنها نشانه رفته است، البته اين امر بي‌آنكه بخواهد ضعف اينان را در برابر هجمة فوق بنمايانند اعترافي عملي به نقش و امت خويش رقم زنند، توانايي وصف ناپذيري كه موانع عمده را با سه انگشت تدبير خويش از سر راه پويندگان معرفت بر مي‌دارد و در مظاهرت ايشان دريغ روانمي‌دارد.

در عصر حاضر بيش از هر زمان ديگري امنيت هويتي شرقيان به ويژه مسلمانان در معرض خطر قرار دارد چرا كه لازمة دستيابي سهل و سادة نظام سرمايه دار و استعمار پيشة جهاني بر كل دنيا بي‌ريشه ساختن افراد و استحالة هويتي آنان و دلباخته ساختن ايشان به خود مي‌باشد. از اينرو پاسداري از امنيت افراد در تمامي ابعاد آن به ويژه امنيت هويتي كه گاه مترادف امنيت اعتقاديست از اعظم وظايف امت اسلامي در آستانة قرن جديد است.

د ـ آزاديهاي مشروع

خدايتعالي آدمي را آزاد آفريد و آزادي را به وي ارزاني داشت تا در سايه سار آن بتواند «اختيار» را اختيار كند و راه را از چاه تمييز دهد.

با وجود اينكه هدف از اين عنايت عظمي گشاده ساختن راه اعتلاي آدمي بوده است آيا مي‌توان هر آنچه را كه مغاير با اين امر است به نام آزادي مورد تاييد و تاكيد قرار داد؟

آيا مي‌توان سپردن زمام امور اختيار خود به نفس امّاره يادر افكندن خويش به چاه ضلالت را در پوشش «آزادي» توجيه كرد؟

آيا رواشمردن جنايات تكان دهنده‌اي از قبيل سقط جنين، كمك به خودكشي بيماران لاعلاج وامثالهم كه جامعة انساني را به سوي انحطاط سوق مي‌دهد «آزاديه»است ؟

آيا مسافري حق دارد با ادعاي «آزادي» كشتي و زورقي را كه ديگر مسافران نيز بر آن سوارند ولو اينكه همان جايي را كه خود بر آن نشسته سوراخ نمايد؟ آيا ممانعت از اينكار نقض آزادي است؟ جواب خرد به تمامي اين سئوالات منفي است و صلاح فرد و جامعه نيز در آنست كه با گردن نهادن بدين راي و با نپذيرفتن مطرودين پيامبر دروني از آزادي واقعي و رهاوردهاي ارزشمند و متعالي آن پاسداري نمايند.

از آنجايي كه عقل ممكن است تحت تاثير مؤلفه‌هاي انحرافي واقع شود و ناخواسته حكم به باطل نمايد و نيز با توجه به اينكه در حوزة ما وراء طبيعت توان پريدن به روي تمام شاخسارها را دارانيست مي‌بايست در سايه سار دعوت پيامبري الهي بنشيند كه آيين و شريعتش كاملترين دين و مسلك الهي است

اين جلوس فرخنده از چند جهت مبارك و ارزشمند است يكي اينكه مي‌توان باور داشت ما حكم به العقل حكم به الشرع و ديگر آنكه عقل با چراغ گيتي فروز دين راه را از چاه باز مي‌شناسد و در دام پر زرق و برق مكاتب انحرافي كه تعاريف ناقصي از هستي، انسان و نيازهاي وي دارند گرفتار نمي آيد ضمن آنكه سره از ناسره و آزادي مشروع از غير آن تميز داده شده، مرز مابين آنها دقيقا مشخص مي‌شود، مرزي كه ناديده انگاشتن آن نهايتاً به هلاكت و فلاكت ختم مي‌گردد.

در عصر حاضر نيز با وجود آنكه امكان جلوس عقل در سايه سار دين و تشخيص حدود آزادي مشروع فراهم است اكثر ملل دنيا به نوعي از افراط و تفريط در برخورد با آزادي رنج مي‌برند، گروهي آزادي مطلق و بي حد و مرز را آزادي پنداشته بدان دل خوش نموده اند و گروهي نيز به كمي بهره‌مندي از آن گرفتار شده‌اند.

تبعات منفي گرفتاري اخير هم متعدد است كه از آن جمله مي‌توان به غرب و شرق زدگي و در نورديدن مرزهاي آزادي مشروع در زمان سست شدن نظارتهاي خشك و نامربوط سنتي اشاره كرد.

امروزه سطح بهره‌مندي طيف وسيعي از ساكنان دار الاسلام به ويژه زنان از آزاديهاي مشروع پايين است تا آنجا كه در فلان مملكت مسلمان نشين زنان از بسياري از حقوق اجتماعي حتي رانندگي هم محرومند و در فلان كشور زنان و دختران حق درس خواندن و تردد در معابر را نيز ندارند!

اين وضعيت ناهنجار كه نشات گرفته از نداشتن درك درست از اسلام است مي‌بايد به عنوان يك مساله بغرنج و بحران زا مورد توجه دلسوزان امت قرار گيرد و زمينة رفع آن با ارائه راهكارهاي مناسب فراهم شود. اهميت اين كار اگر از كارهاي اصلاحي ديگر بيشتر نباشد مطمئناً كمتر نخواهد بود.

هـ ـ مشاركت سياسي:

نظامهاي سياسي آزاد و مردمي بر خلاف نظامهاي هزار فاميل و مستبد از مقبوليت ملي برخوردار هستند كه اين مقبوليت در قالبهاي گوناگون از جمله مشاركت مردم در امور سياسي جلوه‌گر مي‌شود.

در اين قبيل جوامع از آنجا كه سطح علاقه مندي مردم به حضور در عرصة سياسي كشور و تعيين سرنوشت خويش برآوردي از مقبوليت نظام يا حزب حاكم است دولتمردان مي‌كوشند تا با بهره گيري از هر آنچه كه مفيد فايده است و در اختيار دارند مشاركت سياسي مردم را پررنگتر سازند.

سيري در پيشينيه سياسي اين قبيل كشورها نشان مي‌دهد كه مشاركت ضعيف و سست سياسي زنان وجوانان رفته رفته بهبود يافته و به سطح مطلوبي رسيده است اگر چه هنوز در بسياري از آنها زنان عملاً احراز پستهاي كليدي از جمله نخست وزيري و رياست جمهوري را تجربه ننموده‌اند.

اين امر بي آنكه متاثر از منع قانوني باشد ريشه در عرف و سطوح تغيير نايافتة فرهنگي جوامع مزبور دارد كه البته هر روز از درجة نفوذ ناپذيري آن كاسته شده راه براي ارتقاي شغلي آنان هموارتر مي‌شود. در مقابل نظامهاي استبدادي كه از مشروعيت مردمي‌نيز بي‌بهره هستند و اصولا ماهيت آنها توسعه سياسي را بر نمي تابد با بهره گيري از ابزارهاي مشخص مانع از مشاركت سياسي آحاد افراد جامعه به ويژه زنان و جوانان مي‌شوند، به عنوان مثال در گسترة دار الاسلام حكومتهايي يافت مي‌شوند كه با وارونه جلوه دادن احكام نوراني اسلام دستاويز لازم را جهت تخطئه مشاركت مرد مي‌در ساختار حكومت فراهم آورده‌اند، از جمله حكومتهايي كه ماهيت پادشاهي، امارت يا رياست جمهوري فرمايشي و

تشريفاتي دارند، فاقد مجلس قانونگذاري انتخابي بوده و يا در صورت بهره‌مندي از پارلمان زنان از حق راي و حق انتخاب شدن برخوردار نيستند.

از آنجا كه اين تفسير كاملاً غلط از دين خواسته يا ناخواسته در بخش قابل ملاحظه اي از جهان اسلام حاكميت دارد و زمينة انزواي سياسي حدود 50 درصد از افراد جامعة كه شامل زنان و جوانان مي شود را فراهم آورده است مي‌بايست به عنوان يك معضل در امتداد نگاه دلسوزان و مصلحان امت اسلام قرار گيرد و با چاره انديشي عالمانه زمينة مناسب جهت رفع آن فراهم آيد.

بدون شک نظام مقدّس جمهوری اسلامی که در طول حيات بيست سالة خويش بيست و دو انتخابات سراسري را با مشاركت گسترده و ميليوني مردم خواه مرد خواه زن خواه مسلمان وخواه اقليت‌هاي ديني برگزار نموده است مي‌تواند به عنوان كاملترين الگو در اين راستا مورد توجه قرار گيرد.

و ـ هويت

غرب هيچگاه هويت غني و مستقل ملل شرق را بر نتابيده است بلكه همواره كوشيده است تا هويت خود را جايگزين آن سازد زيرا به فراست دريافته است كه لازمة پايداري پايه‌هاي نظام استعماريش در جهان سوم استحالة فرهنگي و هويتي آنان به نفع خويش است، آنان در اين راستا راهكارهاي متعددي را به كار گرفته‌اند از جمله با توجه به حضور پنجاه و اندي كشور اسلامي در سطح جهان و نيز هويت ديني يك ميليارد و دويست ميليون مسلمان كه در سراسر كرة ارض حضور دارند كوشيده‌اند با رواج دين گريزي در بين نسل نوپاي دار الاسلام مانع از بهره مندي آنان از هويت بي بديل اسلامي شوند و راه را براي رسوخ فرهنگي و نشر هويت نامانوس خويش در گسترة فكري دار الاسلام فراهم آورند.

از آنجا که هويت هر فرد عبارت از ديدگاه وي پيرامون بايدها و نبايدها (احکام و ايدئولوژيها)، هستي ها و نيستي ها (اعتقادات) و شايدها ونشايدها (اخلاق) است ونيز از آنجا که اسلام تعاريف متعالي و شفافي از حوزه‌هاي فوق ارائه داده است، رواج دين گريزي يگانه راه مسخ هويتي مسلمانان و سلطه يافتن بر مقدرات ايشان تلقي شده و مورد اهتمام جدي سامانة اسلام ستيز غرب قرار گرفته است.

علل کمرنگي ارتباط فرد مسلمان بادين علاوه بر تلاشهاي متنوع اسلام ستيزان يکي کافي نبودن تلاش علماي اسلام در پاسخگويي به سؤوالات روز افراد جامعه به ويژه جوانان و عدم اقبال ايشان در برقراري ارتباط و نمايياندن ابعاد عاليه‌اي که اسلام از آنها برخوردار است مي باشد و يکي نيز که به واقع از بيشترين اهميت برخوردارست جدا پنداشتن دين از سياست از سوي غالب دول حاکم در جاي جاي دار الاسلام و تبعات منفي عديدة ناشي از آنست.

امروزه التزام عملي ناقص يا کامل بسياري از دولتمردان حاکم در گسترة دار الاسلام به اين ايدة شوم باعث شده که اغلب نظام هاي آموزشي اين محدوده از تربيت افراد يکه رکن رکين ساختار هويتشان را اسلام تشکيل مي‌دهد عاجز بمانند.

توجه به هر آنچه که هويت فرد مسلمان را تهديد مي‌کند از عمده وظايف دلسوزان امت اسلامي است که مي‌بايست با بهره گيري از نتايج حاصل از آسيب شناسي به ارائه راهکارهاي مفيد و مؤثر منجر گردد.

ز ـ ازدواج

خدايتعالي آدمي را به شكل مرد و زن آفريد و هر يك را سبب آرامش ديگري قرارداد تا آنجا كه در قرآن كريم فرمود: P... هُنَّ لِبَاسٌ لَّكُمْ وَانتُمْ لِبَاسٌ لَّهُنَّ... 0.(15)

در اين راستا ازدواج به عنوان عاملي كه فراهم آورندة زمينة لازم جهت تحقق اين مهم است در شريعت اسلام از جايگاه والايي برخوردار مي‌باشد تا آنجا كه رسول گرامي اسلام در آن عبارت شريف نكاح را سنت خويش ناميد و امت را بدان ترغيب فرمود.

امت نيز از صبحگاه طلوع خورشيد رسالت حضرت ختمي مرتبت (صلي ا عليه وآله وسلم) با مقدس شمردن خانواده و قايل شدن معنويت مضاعف براي نكاح كه از آن پس سنت نبويش خوانده‌اند نيمي از دين را به دست آورده براي كسب نيم ديگر تلاش كرده است در حاليكه در اكثر نقاط بيرون از دار الاسلام كمرنگ شدن علاقه مندي به ازدواج و تشكيل خانواده كه توسعة فحشاء را به دنبال داشته است در بسياري از موارد دين و دنياي افراد را به باد داده و آنها را از نعمت آرامش و مهر و صفاي حاصل از زندگي خانوادگي بي‌بهره ساخته است.

بركات ناشي از بهره مندي ساكنان دار الاسلام از احكام نوراني و مترقيانة اسلام (از جمله حكم ازدواج) و استحكام خانوادة شرقي غبطه و حسرت بيگانگان را در پي داشته است تا آنجا كه گاه زبان به اعتراف گشوده ثمرات عديدة آن را بر شمرده‌اند.

البته اين در حاليست كه موانع چندي روند اقبال و گرايش جوانان به ازدواج و تشكيل خانواده را كند ساخته است از جمله بيكاري، نداشتن سرمايه، نبود مسكن، بالا رفتن توقعات افراد، دگرگون شدن فرهنگ

ساده زيستي و امثال ذلك.

شناسايي دقيق اين عوامل و تلاش در جهت رفع يا تخفيف آنها از راه اعطاي وام قرض الحسنه، تبيين احكام و شرايط ازدواج موقت و... مي تواند موانع مزبور را حذف و راه تشكيل خانواده را براي هر يك از افراد گشاده دارد، امري بسيار مهم كه حفظ آرامش و معنويت ديرين اهالي دار الاسلام در گرو سهل الوصول بودن آنست.

ح – ورزش

نقش ورزش در پاسداشت سلامتي و تندرستي آدمي به مدد پيشرفتهاي چشم افساي علمي بيش از هر زمان ديگر آشكار شده است به گونه‌اي كه آن را به عنوان مؤثرترين عامل درمان و نيز پيشگيري از بيماريهاي گوناگون جسماني و رواني بر شمرده و به رسميّت شناخته‌اند.

اين نقش حائز اهميت كه به خوبي در امتداد نگاه اديان آسماني به ويژه اسلام قرار داشته زمينه رشد و توسعة سريع آن را در جاي جاي دنيا فراهم آورده است اگر چه به لحاظ بر خورداري از امكانات ورزشي نابرابري فاحشي بين شمال و جنوب ديده مي‌شود.

در حاليكه ممالك شمال از ورزشگاههاي مجهز، دانشگاههاي تربيت بدني پيشرفته، فناوري نوين ورزشي بازيهاي منظم محلي، منطقه‌اي، ملي و چند ملتي، باشگاههاي كلاسيك، پژوهشكده‌هاي فعال ورزشي و امثال ذلك بهره‌مند هستند كشورهاي جنوب گاه به واسطة گرفتاري در چنبرة مشكلات عديدة اقتصادي و ضعف بنية

مالي و گاه به دليل ضعف شناختي و مديريتي از تامين حداقل امكانات ورزشي براي مردم خويش به ويژه زنان و جوانان ناتوانند. با اين وجود در بسياري از اوقات فرزندان جنوب گوي سبقت را از قهرمانان ورزشي شمال ربوده افتخاراتي را عايد مرز وبوم خويش نموده‌اند.

در اين ميان دار الاسلام نيزاز كمبود امكانات جامع و نوين ورزشي رنج مي‌برد در حاليكه زنان بيش از مردان در تنگناقرار داشته و از قلت و سايل و امكانات لازم رنج برده‌اند.

رويا رويي با اين وضعيت اهتمام ويژة دول اسلامي را مي‌طلبد و اين در حاليست كه برخي از آنها باقرائت كاملاً غلطي كه از دين دارند شانه از زير بار مسئوليت خالي كرده‌اند، به تعبير بهتر آنها كم كاري خويش را در تامين حقوق افراد، باسوء استفاده از احكام دين پوشانده‌اند.

علي كل حال نظر به علاقه مندي آحاد افراد جامعه به ويژه جوانان به ورزش ضروريست كه زمينة لازم جهت بهره‌مندي ايشان از امكانات ورزشي يكسان فراهم آيد و ضمن مراعات كامل احكام شرع مقدس نابرابري ميان مردان و زنان به لحاظ برخورداري از وسايل ورزشي و تربيت بدني از ميان برداشته شود.

ط ـ الگو

نياز جوان به داشتن الگويي ايده آل نيازي اساسي و حائز اهميت است كه ريشه در فطرت كمال جوي او دارد. به واقع فرايند الگو طلبي تلاشي است براي به فعليت رساندن بخش عمده‌تري از توانايي هاي بالقوه آدمي كه در آيينة رفتار و كردار ديگري به او نمايانده شده است.

قرآن كريم اين نياز والاي بشري را مورد توجه قرار داده و با معرفي رسول گرامي اسلام (صلي ا عليه وآله وسلم) به عنوان الگوي حسنه آدميان را به متابعت از ايشان فراخوانده است.

اين معرفي از جهات متعددي حائز اهميت است يكي از آن جهت كه حضرت و نيز اهل بيت گراميش (س) از گوهر بي همتاي عصمت بهره مند هستند و قول و فعلشان حجت مي‌باشد و ديگر از آن رو كه بهره مندي همة افراد جامعه از درياي فضل و كمال ايشان امكان پذير است.

در اين ميان بايد به الگوهاي ثانوي نيز اشاره نمود يعني همان افرادي كه با متابعت از احكام نوراني اسلام و سيرة نظري و عملي نبي مكرم (صلي ا عليه وآله وسلم) و اهل البيت معظم (س) در منظر مردم زمان و مكان خويش خوش درخشيده‌اند همانان كه بارفتار و كردار خود همگان را به سوي الگوهاي واقعي الهي رهنمون شده نام نيكي را نيز از خود به يادگار گذاشته‌اند.

اين امر كه نوعي سلسله مراتب را فراهم آورده موجب شده كه رفعت و بلنداي چشم افساي قلل كوهسار انسانيت پويندگان راه كامل را از صعود باز ندارد بلكه روح اميد را در كالبد آنان بدمد و به طي طريق ترغيب نمايد.

امروزه تلاش اندك ما در تربيت، شناسايي و شناساندن الگوهاي ثانويه و نيز نداشتن برنامة مفيد و روزآمد در امر خطير معرفي الگوهاي حسنة خداوندي و تبيين سيرة نظري و عملي ايشان نوعي خلاء الگويي را در گسترة دار الاسلام پديد آورده است كه مي‌بايست آن را به عنوان مهمترين عامل ارتقاي جذابيت الگونماهاي بيگانه برشمرد.

اين حالت موجب مي‌شود كه بازار مكارة غرب و ستارگان غالباً كذاييش قبلة آمال و كانون توجه طيف قابل توجهي از جوانان گردد و دين و دنياي آنان را تباه ساخته به درد بي درمان بي ريشگي و فقدان هويت مبتلا سازد.

توجه به اين امر كه غربيان غالباً در تعامل فرهنگي با دار الاسلام مي‌كوشند تا آن دسته از افراد به ظاهر موفق الگوناماي خويش كه در عرصه‌هاي مخالف نظر اسلام (از قبيل سيناماي غير متعهد، موسيقي غنايي ورزش غير ارزشي) كار كرده اند را بنمايانند و از قرار دادن فرهيختگان و دانشمندان جامعة خود در امتداد نگاه الگو طلب جوانان دار الاسلام طفره مي‌روند مي‌بايست دلسوزان امت اسلامي را به كنار نهادن سستي و رخوت واداشته به تلاش در زمينة معرفي الگوهاي حسنة الهي و تبيين قول و فعل ايشان و نيز تربيت ياشناسايي الگوهاي ثانويه و همچنين شناساندن آنان به مردم به ويژه جوانان ترغيب نمايند.

ي ـ بهداشت

توسعة صنعتي از يكسو با ايجاد آلودگي هاي زيست محيطي، صوتي و... بهداشت جسمي و رواني افراد را به خطر مي‌اندازد و از ديگر سو با در آمدي كه نصيب جوامع مي‌سازد نقش عمده‌اي را در تامين سلامتي آنان ايفا مي‌نمايد.

توجه به اين دو نقش متفاوت مبين اين واقعيت است كه مي‌بايد از يكسو تا حد امكان از آلودگي هاي ناشي از توسعة صنعتي كاست و از سوي ديگر بودجه واعتبار تخصصي جهت تامين بهداشت جسمي و رواني

افراد را نيز افزايش داد.

امروزه در حاليكه ممالك غربي در اين مسير گام بر مي‌دارند وجهت تامين مقصود خود از استضعاف ديگر ملل نيز رويگردان نبوده و حتي زباله‌هاي اتمي خود را روانه كشورهاي آمريكاي لاتين و آفريقا مي‌نمايند دولتمردان كشورهاي جهان سوم از يك طرف كميت فناوري دريافتي را بر كيفيت آن ترجيح داده ناخواسته زمينة آلودگي زيست محيطي، صوت و... كشور خويش را فراهم مي‌آورند و از طرف ديگر به واسطة نداشتن مديريت مفيد و ابتلا به فقر دامنگستر از تخصيص اعتبارات لازم جهت تامين بهداشت جسماني و رواني شهروندان خويش ناتوان يا رويگردان هستند.

در راستاي اتخاذ چنين سياست اشتباهي است كه بيابان زايي، فرسايش شديد خاك هدر رفتن آب و آلودگي منابع آبي، نابودي جنگل‌ها و مراتع و... و نيز پيامدهاي منفي ناشي از آنها شمال افت توليد محصولات زراعي و پيدايش سوء تغذيه و ايجاد زمينة مناسب جهت گسترش بيماريهاي گوناگون، درد مزمن كشورهاي جنوب گرديده است.

اگر چه تبعات منفي اين سياست غلط تمامي افراد آن كشورها را در معرض تهديد جدي خود قرار مي‌دهد اما اين مادران و كودكان هستند كه از آن آسيب بيشتري مي‌بينند، توجه به اين امر ضرورت اهتمام جدي دول جنوب از جمله دولتهاي حاكم در گسترة دار الاسلام را به ارتقاي سطح بهداشت مردم خصوصاً مادران و كودكان كه آينده سازي را عهده دار هستند بيش از پيش آشكار مي‌سازد.

خوشبختانه گسترة دار الاسلام به بركت پايبندي مسلمانان به احكام نوراني شريعت شريف محمدي (صلي ا‌ عليه وآله وسلم) از بسياري از مشكلات پيچيده ولا ينحل بهداشتي كه امروزه جهان با آن دست به گريبان است در امان مي‌باشد با اين وجود تلاش در جهت ارتقاي سطح بهداشت و پاسداشت آن در تمامي ابعاد

الزامي است، باشد كه در سايه سار چنين اهتمامي منويات شريعتي كه نظافت و پاكي را نشانة ديندارى مي‌داند به صورت كامل محقق شود.

***

اگر چه زنان و جوانان مسلمان به غير از موارد بر شمرده شده با مسائل ديگري نيز رو به رو هشتند اما با صراحت مي‌توان گفت كه توجه به آنچه كه برشمرده شد در حكم توجه به تمامي مسايل ايشان مي‌باشد.

اميد است همدلي دولتمردان دار الاسلام و امت معظم اسلامي و راهنمايي هاي دلسوزانة علماي شريعت محمدي (صلي ا عليه وآله وسلم) زمينة لازم جهت رفع مسايل و اعطاي جايگاه مناسب به زنان و جوانان در جامعه اسلامي را فراهم آورد.

پي نوشتها:

1ـ. اعترافات 82 نفر از دانشمندان بزرگ جهان دربارة اسلام و قرآن ـ محمود احمدي ـ ص 8.

2ـ.سورة مباركه نصر.

3ـ.لذات فلسفه، ويل دورانت، ص 148.

4ـ.همان، ويل دورانت، ص 149.

5ـ. همان، ويل دورانت، ص 152 و 151.

6ـ. سورة مباركة حجرات، آية شريفة 13.

7ـ.روح سياست جهاني ـ سيماي تمدن غرب، ص 148.

8ـ. همان، ص 149.

9ـ.اعترافات 82 نفر از دانشمندان بزرگ جهان در بارة اسلام و قرآن ـ محمود احمدي ـ ص 40.

10ـ.مجمع البيان فضل سورة بقره.

11ـ. تحفه الاحباب

12ـ. سورة مباركة مجادله، آية شريفة 13.

13ـ. «نام من امروز است» ـ ديويد مورلي وهرميون لاول ـ ترجمه سعيد پارسي نيا ـ ص 47.

14ـ.همان ـ ديويد مورلي و هرميون لاول ـ ترجمة سعيد پارسي نيا ـ ص 46.

15ـ. سورة مباركة بقره، آية شريفة 183.